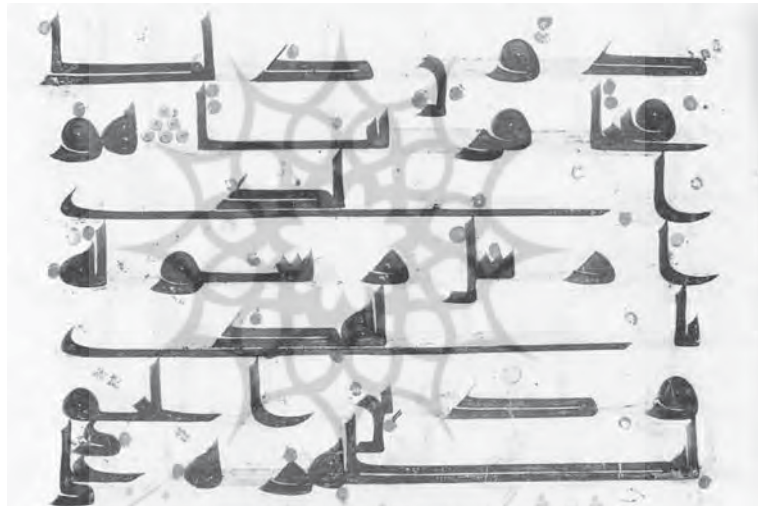


شب قدر

از منظر قرآن

جعفر وفا^۱



در منظر قرآن، شب قدر، شب بارزش و پرفضیلت و با امور مهم و با عظمتی همراه است؛ همانند نزولِ اجمالی قرآن، پیدایش افاضات باطنی و فضای خاص معنوی، تقدیر و تعیین سرنوشتها، تدبیر و برنامه‌ریزی‌های جدید و نزول جبرئیل و فرشته‌ها. عبادت در آن شب، بالغ بر هشتاد سال ارزش دارد و قابل قیاس با سایر شبها نیست. در چنین شبی خداوند بال رحمت می‌گشاید و بندگان خود

روزها و شبها، بستر رخدادها هستند. طلوع و غروب وقایع، در بخشی از زمان صورت می‌بندد و زمان و لحظه‌ها، هفته‌ها و ماه‌ها، و سال‌ها و قرن‌ها، مخلوق خدا، مولود طبیعت، مرهون نظام جاری و حرکات موزون عالم است و به ظاهر هیچ فرقی میان آنها نیست. ولی قرآن کریم، همه ایام را یکسان نمی‌بیند. برخی از آنها را ایام مبارک و مقدس می‌داند که ماه رمضان و شبهای قدر از جمله آنهاست.





را در رواق آن می‌نشانند و مؤمنان و عبادت‌گران را مشمول رحمت خاص خود می‌سازد.

شب قدر، قدر و قیمت بی‌شمار دارد. در کلمات محدود نمی‌گنجد و کند و کاو مضاعف می‌طلبد تا در این باره به سؤالات مهمی پاسخ دهد از قبیل اینک:

فلسفه وجودی شب قدر چیست و چرا قدر نامیده می‌شود؛ و چه ویژگی‌هایی دارد؟

آیا شب قدر پیش از اسلام نیز بوده است و آیا تنها یک بار اتفاق افتاده یا هر سال تکرار می‌شود؟ ارزش عبادی آن چقدر است؟

در آن شب، فرشته‌ها و روح‌الامین به چه کسی و به چه هدفی نازل می‌شوند؟

اصولاً چه اعمالی در آن شب توصیه شده و پیشوایان دینی چه سیره‌ای در آن داشته‌اند و آیا شب قدر، در قالب غیبی هم قابل تفسیر است؟

مفهوم شناسی

«قدر» در لغت به معنای اندازه کردن، مقدر ساختن، قرار دادن چیزی به تعداد مخصوص و به شکل و شیوه مخصوص است. همچنین به معنای تعدیل کردن، به مقدار معینی قرار دادن، تقدیر و تدبیر امور خلقت، حکم و قضا و به مفهوم اندازه معین طبق مصلحت و به مقتضای حکمت است. پس شب قدر یعنی شب مخصوص رقم زدن سرنوشت انسان و برنامه‌ریزی کردن.^۲ به همین جهت آن را شب قدر می‌نامند؛ چون خداوند آنچه را در طول سال انجام خواهد گرفت، در آن شب، تقدیر و تعیین می‌کند، همانند حیات

و مرگ، خیر و شر، طاعت و عصیان، سعادت و شقاوت، توسعه و تنگی رزق و معیشت^۳ و... و این گفتار، عصاره و مضمون آیه چهارم سوره «دخان» است که به صراحت بیان شده است:

«فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می‌گردد».^۴

پیدایش شب قدر

رسم دیرینه دولت‌ها است که در مجالس قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری، بودجه و برنامه‌های اقتصادی را به مدت یکسال تعیین می‌کنند تا با طرح و تدبیر معین حرکت کنند و در مدار ثابت قرار گیرند. گویی این رسم، از نظامی برگرفته شده که در سراسر هستی جاری است. خداوند برنامه هر کسی را به تناسب شأن و شوکت و استعداد و صلاحیت خویش، در شب قدر تدبیر و تعیین می‌کند و فلسفه وجودی شب قدر هم، همین است. زیرا ملت‌های فاقد برنامه منظم و تقدیر و تدبیر ثابت، همیشه متزلزلند، و ثبات ندارند و مدت‌ها به دور خود می‌چرخند و ره به جایی نمی‌برند و به کمال و پیشرفت مطلوب، راه نمی‌یابند.

نظر به ضرورت برنامه‌ریزی است که خداوند در مقطع خاص و مبارکی، با تلاش و اراده خود افراد، برای آن‌ها، برنامه‌ریزی می‌کند، تا در چارچوب آن حرکت کنند. تاریخ و تجربه، به خوبی نشان داده است که جهش‌های ناب‌هنگام، و پیشرفت‌های غیرمنتظره و پیش از مقتضای

زمان، در پرتو انوار لیلۃ القدرها و الهامات غیبی بوده است که در تاریک‌ترین زمان، برای اولیاء خدا و پیامبران میسر شده است.

پیدایش و پیشرفت حیرت‌انگیز آیین اسلام، در تاریکی جاهلیت عرب، در لیلۃ القدر درخشید و یک شبه راه هزار ساله پیمود.^۵

پس فلسفه وجودی شب قدر این است که خداوند متعال می‌خواهد انسان‌ها به ویژه مسلمانان، به سبب محبوبیتشان در نزد خدا، خود در این شب تعیین سرنوشت و زمان تدبیر و برنامه‌ریزی، نقش لازم را در تعیین مقدرات خویش ایفا کنند.

همچنین از انسان‌ها، سلب اختیار نشود و از شب قدر و تعیین تقدیر، بوی جبر نیاید و بشر راه جبر نیپیماید؛ زیرا تقدیر هیچ‌گونه تضادی با آزادی اراده انسان و مسئله اختیار ندارد، چرا که تقدیر الهی به وسیله فرشتگان بر طبق شایستگی‌ها و لیاقت‌های افراد و میزان ایمان و تقوا و پاکی نیت و اعمال آن‌هاست؛ یعنی برای هر کس آن مقدر می‌کنند که لایق آن است، یا به تعبیر دیگر زمینه‌هایش از ناحیه خود او فراهم شده باشد، و این نه تنها منافاتی با اختیار ندارد بلکه تأکیدی بر آن است.^۶

ویژگی‌های شب قدر

قرآن برای شب قدر، ویژگی‌ها و برجستگی‌هایی قائل است که آن را از دیگر شب‌ها ممتاز می‌کند و ما به بیان گذرای هر یک از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. نزول قرآن:

بدون تردید قرآن در شب قدر نازل شده است:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۷

و بدون شک، شب قدر در ماه رمضان قرار دارد:

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»^۸

از بافت و پیوست این دو آیه برمی‌آید که اولاً شب قدر به یقین یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان است. ثانیاً مجموع قرآن در آن نازل شده است نه جزئی از آن و نه آیات آغازین آن؛ که برخی بر آن و برخی بر این نظر، اصرار می‌ورزند. تأکید بر این نکته ضروری است که نزول همه قرآن، در شب قدر، منافاتی با نزول تدریجی آن در طول بیست و سه سال دوران رسالت ندارد زیرا خود قرآن شاهد صادق است که آیات آن دو بار و به دو شکل نازل شده است:

الف - نزول دفعی و یکباره در ماه رمضان و در شب قدر به صورت نور، و بسیط و بسته و به دور از قالب مادی و حروف و کلمات؛ و به دیگر بیان، به صورت اجمال و فشرده و فهرست‌وار.

ب - نزول تدریجی، تفصیلی و به صورت باز و گسترده و به مقتضای زمینه و زمان و رویداد خاص. این مطلب به دو دلیل قابل اثبات است:

نخست: دلالت قرآن: برخی از آیات بر این دو نزول دلالت روشنی دارد:

«كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ

حَكِيمٍ خَبِيرٍ»^۹

کتابی است که آیات آن استوار گشته (و به



هم پیوسته) سپس از جانب خدای حکیم و آگاه
تفصیل داده شده است.

این آیه، از نزول اول به عنوان نزول تحکیم
یافته و استوار و به هم پیوسته (= اُحکمت) و از
نزول دوم که با تأخیر و فاصله زیادی از نزول اول
صورت گرفته با کلمه «فُصِّلَتْ» (= تفصیل داده
شده) تعبیر می‌کند.

دلیل دوم استفاده از کلمه نزول و تنزیل
است که اولی در نزول دفعی و دومی در تدریجی
کاربرد دارد.^{۱۰}

۲. برتری شب قدر

از آن جا که خداوند می‌خواهد مقامات معنوی
مؤمنان را بالا ببرد، موقعیت خاصی را تمهید و
مقطعی از زمان را معین کرده است تا آنان، با
اعمال صالح در آن شب، چندین برابر ارزش
بیابند و مانند برخی از حاکمان دل‌سوز اسلامی
که در مناسبت‌های خاصی چون عید غدیر، عید
فطر، میلاد نبوی و نیمه شعبان و سیزده رجب و...
تعدادی از مجرمان و زندانیان را مورد عفو قرار داده
و زمینه آزادی برخی را فراهم می‌آورند. این حقیقت
در گفتار پیشوایان دینی نیز انعکاس یافته است:
یکی از شاگردان امام ششم^(ع) به نام حمران
می‌گوید: به حضرت صادق^(ع) گفتم: مقصود
خداوند از اینکه فرموده: شب قدر بهتر از هزار
ماه است چیست؟ فرمود: عمل صالح همچون
نماز و زکات و انواع کارهای خیر در آن شب بهتر
است از همان اعمال در هزار ماهی که در آن،
شب قدر نباشد.

و اگر خداوند جزای اعمال خیر مؤمنان را
چندین برابر نمی‌کرد، آنان به جایی نمی‌رسیدند،
ولی خدای متعال، پاداش حسنات را برای
آنها، چندین برابر بالا می‌برد (تا در قیامت به
چشمه‌سار سعادت رهنمون شوند).^{۱۱} اگر کسی
در چنین شبی، دست به دعا بردارد، گویا بیش از
هشتاد سال در حال دعا بوده است و خدا دست ردّ
به سینه چنین کسی نمی‌زند، و از درگاه خویش
نا امید نمی‌کند.

شب قدر در پرده نهران

ارزش فوق‌العاده عبادت در شب قدر، این
شب را همچنان در میان شب‌های ماه مبارک
رمضان مخفی و ناشناخته نگه داشته است؛ بدین
جهت که مردم به همه این شب‌ها اهمیت دهند.
چنانکه خداوند رضای خود را در میان انواع طاعات
پنهان کرده تا مردم به همه طاعات روی آورند
و غضبش را در میان معاصی پنهان کرده تا از
همه بپرهیزند، دوستانش را در میان مردم مخفی
کرده تا همه را احترام کنند، اجابت را در میان
دعاها پنهان کرده تا به همه دعاها روی آورند،
اسم اعظم را در میان اسمائش مخفی ساخته تا
همه را بزرگ دارند و وقت مرگ را مخفی ساخته
تا در همه حال آماده باشند.^{۱۲} البته این سخن
بدین معنا نیست که حضرات معصومین^(ع) و اولیاء
خاص خدا، شب قدر را نمی‌دانستند. بلکه آن را
به یقین می‌شناختند ولی آن را به عمد و از روی
مصلحت فاش نمی‌ساختند.

هر که را اسرار حق آموختند
مُهر کردند و دهانش دوختند^{۱۳}



آنچه مؤید این معناست، گفتار صریح پیشوایان معصوم^(ع) است که مجموع آن‌ها نشان می‌دهد که فرشتگان در شب‌های قدر به خدمت آنان مشرف می‌شدند. برای نمونه، کسی از امام باقر^(ع) پرسید: آیا شما می‌دانید شب قدر کدام شب است؟ فرمود:

«كَيْفَ لَا نَعْرِفُ وَ الْمَلَائِكَةُ تَطُوفُ بِهَا فِيهَا»

چگونه نمی‌دانیم در حالی که فرشتگان در

آن شب به گرد ما دور می‌زنند!^{۱۴}

توسعه طولی زمان

آیا در پرتو شب قدر می‌توان ارزش زمان را دریافت؟ و آیا می‌توان زمان را توسعه داد؟ و فاصله میان خود و هدف‌های مهم و مقدس را کوتاه‌تر نمود و به عمر طولانی دست یافت؟ آری اگر شما در یک روز به صد میلیون تومان دست بیابید که آن را در مدت یک سال به دست می‌آوردی، آیا این یک روز برای تو بهتر از یک سال تمام نیست؟ به همین گونه است لیلۃ‌القدر که به انسانی که قدر آن را بشناسد، چیزی می‌بخشد که مساوی با یک عمر دراز است: هشتاد و سه سال و چهار ماه، و به تعبیری رساتر: هزار ماه.

«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»

شب قدر بهتر از هزار ماه است!^{۱۵}

اجل هر یک از ما در نزد خدا معین است و گاه چندان کوتاه است که هر یک از ما نمی‌تواند به یک دهم از هدف‌های خود دست بیابد، ولی آیا می‌توان با این واقعیت به چالش و مبارزه برخاست؟ آری. ولی نه بدان صورتی که بیشتر

مردم چنان تصور می‌کنند و خواستار درازی عمر خویش می‌شوند و عده کسانی که به این آرزوی خود می‌رسند اندک است، بدان سبب که عوامل وفات، فراوان و بیشتر آن‌ها از اراده آدمی بیرون است، پس راه برای درازتر کردن عمر چیست؟ ژرف‌تر کردن آن و از لحظه‌لحظه آن برخوردار شدن است، در پیش خود تصور کن که اگر پاره کوچکی از زمین داشته باشی و نتوانی آن را بزرگ‌تر کنی، چه خواهی کرد؟ ممکن است به بنای ساختمانی بپردازی که بخشی از آن در زمین است و بخشی دیگر در فضا است و سر به ابرها می‌ساید، بعضی از مردمان سال‌های معدودی از عمر داشته و در طول این عمر به انجام دادن کارهایی پرداخته‌اند که معادل کار قرن‌های دراز است، مثلاً عمر رسول اکرم^(ص) از شصت و سه سال تجاوز نکرد و بیست و سه سال از آن به ایام دعوت او اختصاص داشت، ولی اثر آن از اثر عمر دراز نوح بیشتر است، بلکه از سال‌های عمر همه پیامبران چنین است و به همین گونه خداوند رحمان موهبت شب قدر را مخصوص امت او و آن را بهتر از هزار ماه قرار داد تا بتوانند عمر خود را در بعد سوم (یعنی بعد عمق) درازتر کنند، و شاید خبر مأثور از رسول‌الله^(ص) اشاره به همین معنی بوده باشد، چه روایت شده است که عمرهای امت‌های پیش از او را به او نشان دادند و چنان می‌نماید که عمرهای امت خود را کوتاه دید و دریافت که در درازی عمر به پیشینیان نمی‌رسند، و به همین جهت خدا شب قدر را به او عطا کرد و آن را بهتر از هزار ماه قرار داد.^{۱۶}



در حدیثی دیگر چنین آمده است: به پیامبر گفتند که مردی از بنی اسرائیل هزار ماه سلاح را در راه خدا از گردن خود برداشت، و او سخت دچار شگفتی شد و آرزو کرد که چنین کسی نیز در امت او بوده باشد، و گفت: پروردگارا! به امت من کوتاه‌ترین عمرها را داده‌ای که با آن اعمالشان کمتر می‌شود، پس خدا لیلۃ القدر را به او بخشید و گفت: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» که در آن ماهها آن اسرائیلی سلاح را در راه خدا حمل می‌کرد، و این شب برای امت تو تا روز قیامت در هر ماه رمضان خواهد بود.^{۱۷}

بنابراین شایسته آن است که هدف تو در شب قدر تحقق یافتن تغییری اساسی و ریشه‌دار در نفس خودت باشد، و لازم است که خود را در برابر داور خرد به محاکمه بخوانی، و نابسامانی‌های پیشین و انحرافات جاری آن را تسجیل کنی، و عزم بر آن مجزوم سازی که از همه این‌ها با پیشیمانی از ارتکاب خطا درگذری، و به ترک آن‌ها نیت خالص کنی و به خدا پناه ببری که از گناهان گذشته‌ات درگذرد و در آینده تو را موفق به آن سازد که بر گرد گناه نگردی.^{۱۸}

۳. نزول فرشتگان

سومین ویژگی شب قدر، فرود آمدن جبرئیل و انبوهی از فرشتگان آسمان، برای تعیین سرنوشت همراه با خیر و برکت معنوی است. مضارع بودن فعل «تنزل» حاکی از استمرار نزول فرشته‌هاست. آن‌ها تنها یک بار نازل نمی‌شوند تا یک بار هم به آسمان صعود کنند،

بلکه این نزول و صعود پیوسته از آغاز شب تا طلوع فجر ادامه دارد.

فضای آن شب، فضای ملکوتی و سراپا معنویت و نشانه گسترش رحمت خاص الهی در آن ساعات است. ابن عباس از پیامبر اسلام (ص) نقل می‌کند که فرمود:

هنگامی که شب قدر می‌شود، فرشتگان بال‌گستر «سدرۃ المنتهی» که جبرئیل یکی از آن‌هاست فرود می‌آیند در حالی که جبرئیل با پرچم‌هایی می‌آید؛ یکی از آن‌ها را بالای قبر من و پرچمی را بر بالای بیت‌المقدس و پرچمی را در مسجد الحرام و پرچمی را بر طور سینا نصب می‌کند و هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای در مکانی نمی‌ماند مگر جبرئیل به وی سلام می‌کند مگر گروه‌های خاصی همانند شراب‌خوار و...^{۱۹}

۴. صفا و سلامتی

شب قدر، شب تقدیر است و تعیین سرنوشت یک‌ساله و لحظات سرنوشت‌ساز؛ لحظات حساس و اضطراب‌آمیز؛ از این رو باید آن را شب دلهره دانست، ولی قرآن، سلم و سلامتی را از ویژگی‌های دیگر آن شب می‌داند و آن را شبی سراسر سلامت معرفی می‌کند! زیرا تعیین مقدرات برای انسان وقتی خطرناک و نگران‌کننده است که آدمی زمان آن را نداند، و مهم‌تر آنکه، خود وی در تغییر سرنوشتش نقشی ایفا نکند؛ ولی خداوند از سه جهت بشر را در رقم خوردن سرنوشتش سهیم و شریک کرده است: الف. نخست زمان برنامه‌ریزی و تقدیر را معین



کرده و آن را به همگان اعلام داشته است: شب قدر در قلمرو ماه رمضان است و مفسران واقعی قرآن و سخن‌گویان رسمی خدا یعنی پیشوایان معصوم^(ع) محدوده آن را تنگ‌تر کرده و یکی از شب‌های سه‌گانه ۱۹، ۲۱ و ۲۳ رمضان را شب قدر اعلام کرده‌اند تا با گرمی‌داشت و حریم‌بندی هر سه شب، سرنوشت و برنامه‌های خداپسند تعیین شود؛ و جالب آن که خود قرآن، ساعات آن را نیز مابین آغاز شب تا طلوع فجر صادق تعیین نموده است.

ب. افزون بر تعیین زمان، ارزش معنوی آن را نیز تبیین و تصریح نموده است که آن شب، بیش از هزار ماه، ارزش عبادی دارد و عظمت آن را با جمله استفهامیه و در قالب اسم ظاهر و نه ضمیر و با سه نوبت تکرار، یادآور شده است: «و ما ادریک ما لیلۃ القدر؟» و تو چه دانی شب قدر چیست؟ ج. افزون بر آن‌ها، خداوند در تعیین سرنوشت بشر، به او حق «وتو» داده و پرونده را از سوی خودش و صاحب سرنوشت، مختومه اعلام نکرده بلکه همچنان باز گذاشته و سرنوشت را به صورت مشروط قابل تغییر اعلام داشته است و هرکس می‌تواند به وسیله توبه و زاری و اطاعت و عبادت و شب‌زنده‌داری، در سرنوشت و مقدرات خود اثر مستقیم بگذارد. پس خطر و نگرانی مزبور برطرف می‌شود و این همان سلامت شب قدر است.^{۲۰}

تداوم شب قدر

گرچه قرآن یک بار در شب قدر نازل شده ولی خود شب قدر، هر سال تکرار می‌شود و ارزش معنوی آن نیز همچنان استمرار دارد؛ به دلیل برخی از روایات که بر تداوم شب قدر تصریح دارد؛ برای نمونه: مردی از امام صادق^(ع) پرسید: مرا آگاه کن که آیا شب قدر تنها در گذشته بوده یا هر سال پدید می‌آید، فرمود: اگر لیلۃ القدر، برداشته شده بود قرآن هم برداشته می‌شد.^{۲۱}

پس آنچه همه روایات مختلف وارده از ائمه اهل‌البیت^(ع) در آن اتفاق نظر دارند این است که شب قدر تا روز قیامت جاری و باقی است و همه‌ساله تکرار می‌شود.

از آنچه گفتیم پاسخ سؤال دوم نیز روشن شد که می‌پرسند آیا پیش از اسلام نیز شب قدری بوده است یا مخصوص امت اسلام است؟ با این توضیح که با دقت در روایات یاد شده و آیات سوره قدر بر می‌آید که از روزی که نوع آدمی مستعد فرا گرفتن شریعت آسمانی گردید و به رشد و بلوغ فکری رسید و پیامبران در میان آن‌ها، برانگیخته شدند، لیلۃ القدری داشتند که اصول معارف و شرایع در آن شب مقدر می‌شده است.^{۲۲}

دلیل دوم بر تداوم شب قدر، به کار رفتن فعل مضارع در مقام معرفی آن است، همانند: «فیها یُفَرِّقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ» در سوره دخان، و «تَنْزِلُ الْمَلَائِکَةُ» در سوره قدر، و فعل مضارع هم برای استمرار است. صاحب «المیزان» در این باره می‌فرماید:





اخبار اهل بیت اتفاق نظر دارند که شب قدر در هر سال تکرار می‌شود و تداوم آن، تا روز قیامت استمرار خواهد یافت.^{۳۳}

اعمال شب قدر

عظمت شب قدر به قدر ضرورت و ظرفیت بیان شد و حال سخن از تکلیف و برنامه‌های عملی در شب قدر است؛ شبی که نجات معنوی به صورت استثنایی پدید آمده و باید آن را غنیمت شمرد و به توان قدر سود جست. پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»

خدا را در امتداد ایام، نسیم‌های خاص معنوی است به هوش باشید و خود را در معرض آن‌ها قرار دهید.^{۳۴} وظایف ما در این ایام باید در ابعاد فردی و اجتماعی صورت پذیرد و عمدتاً باید در سه محور مهم انجام وظیفه کنیم: خودسازی، رذیلت‌زدایی و اصلاحات اجتماعی.

۱. خودسازی

در خودسازی اولین گام موفق شدن به مقام «شرح صدر» است.

جان آدمی چون جهان طبیعت است؛ مواد این جهان، تا شکافته و منشرح نگردد، برکت آن، ظاهر نمی‌شود، هسته خرما تا به هم بسته است، شاخه و برگ و ساقه و میوه‌ای ندارد، ولی همین که شکفته شد، به درخت پرگل و با شاخ و برگ

و میوه بسیار تبدیل می‌شود.

زمین بر اثر سرمای زمستان، افسرده و خشک و بی‌روح و بی‌فروغ گشته است، اما پس از بارش باران و تابش آفتاب و نسیم بهاری، سینه‌اش شکافته می‌شود و از خاک و چمنزارش و حتی از سنگ و صخره‌هایش چشمه‌ها و جویبارها جاری می‌شود و از هر توده خاکش مرغزار می‌دمد و در هر قدمش نعمتی جلوه می‌کند.

روح آدمی نیز تا گرفته و در هم است نه می‌تواند خیری بگیرد و نه مطلع خیری شود. نه توان دارد حقیقتی را بیان کند و نه حقیقتی را دریابد. ولی از زمانی که به شرح صدر توفیق یابد، می‌تواند هم خوب بیندیشد و بفهمد، هم خوب بیان کند و هم خوب عمل کند و هم دیگران را به خوبی هدایت نماید. روح ملکوتی انسان چون پرنده بوستان، تا بال و پر نگشاید توان پرواز نمی‌یابد. پس قدم نخست در اقدام به خودسازی، نیل به شرح صدر و موفقیت در انبساط و جنبش درونی و روحی است.^{۳۵} بدین جهت خداوند در مقام امتنان و شمارش نعمت‌های خویش در خصوص رسول خدا (ص)، نخست نعمت مهم «شرح صدر» را یادآور می‌گردد و در قالب

استفهام تقریری بیان می‌دارد که:

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»

آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم؟^{۳۶}

صعود به این قله عظیم الهی، شرایطی می‌طلبد که ما تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. مشارطه و پیمان با خویشتن بر بندگی

خالصانه خدا و رهایی از بندگی شیطان؛
«أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا
الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که
شیطان را نپرستید که برای شما دشمن
آشکار است؟»^{۲۷}

ب. برنامه‌ریزی به تناسب استعداد، وقت و
توانایی فکری و جسمی؛ چرا که ایام مبارک و
شب‌های قدر برای تقدیر و تنظیم برنامه‌ریزی
نوبین است.

ج. دعا و نیایش؛ انس و الفت با دعا و به
دست آوردن روح نیایش و زمزمه و راز و نیاز با
خدا از راه خواندن دعاهای مأثور همانند ابوحمزیه
ثمالی و مانند آن.

دعا اعلان نیاز است و التماس از رب بی‌نیاز
و متوجه ساختن مدعو به سوی نیایشگر. اعلان
نیاز، خود، نهایت تواضع و ذلت و بندگی نسبت
به خداوند است؛ و این عمل، رضایت خدا را جلب
می‌کند و سبب نزول خیرات و برکات و سرانجام
موجب نیل به مقام رضوان الهی می‌گردد. این
حقیقت را از زبان وحی بشنویم که فرمود:

«قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ

بگو اگر دعا و راز و نیاز شما نباشد، پروردگار
من به شما اعتنایی نمی‌کند.»^{۲۸}

تا نگرید ابر، کی خندد چمن؟
تا نگرید طفل، کی جوشد لبن؟
به ویژه در شب‌های احتمالی قدر، باید بیشتر
از هر زمان دست به دعا برداشت و در خلوت دل،
با خدا آشتی نمود؛ و این سیره ثابت عالمان بزرگ

شیعه بوده است آن‌ها که از مکتب اهل بیت^(ع)
الهام گرفته‌اند، شب‌های قدر را بهترین بستر
برای دعا و عبادت می‌دانستند.

دعای مقبول

استجاب دعا دو شرط عمده دارد که با
تحقق آن‌ها، دعا در پیش خدا مقبول می‌افتد:

«وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ
دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

و هر گاه بندگان من از تو درباره من
پرسند. (بگو) من نزدیکم و دعای دعا
کننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت
می‌کنم.»^{۲۹}

در این آیه دو شرط اصلی اجابت دعا آمده
است:

اول: دعاکننده: حقیقتاً دعا کند و به صورت
جدی از خدا بخواهد و نه صورتی از دعا باشد و
لقلقه زبان: (دعوی الداع)

دوم: فقط خدا را بخواند و از او درخواست کند
نه از غیر او. یعنی از علایق غیر خدا قطع کند
و خیال نکند که مستقلاً از وسایط، کاری ساخته
است و اگر به اسباب خارجی اعتماد کند، از خدا
نخواسته است. (اذا دعان) = دعانی

اگر این دو شرط که از «دعا» و «نی»
استفاده می‌شود تحقق یافت، دعا به هدف رسیده
و مردود نخواهد شد، مانند دعای بیماری که
دستش از پزشک و دارو کوتاه شده و قلبش از
علل مادی و طبیعی مأیوس گشته و مضطرب شود،
اما باید توجه به وسایط نداشته باشد و گر نه مضطرب
نخواهد بود و دعا از او محقق نخواهد شد.^{۳۰}





اسوه‌های فقهی و عرفانی شیعه و مسلمانان اهل سلوک و عرفان، در همه حال دست به دعا برمی‌داشتند به ویژه در ایام قدر به دعا و نیایش سفارش مؤکد داشتند. سالک صادق، امام العرفا آیت‌الله میرزا جواد مَلِکی تبریزی می‌گوید:

اوقاتی که در آن ساعت دعا مقبول می‌افتد سه شب قدر از ماه رمضان است و افضل آن‌ها، شب «جهنی» (شب بیست و سوم) آن ماه است.^{۳۱}

د. قرائت قرآن: قرائت قرآن گرچه همواره و در همه حال عملی ممدوح و محبوب و تجدید عهد با پیمان‌نامه الهی است، ولی ماه رمضان به ویژه روزها و شب‌های قدر، بسیار توصیه شده است. چرا که بهار قرآن است.

تلاوت آیات وحیانی، هنگامی ارزش مضاعف می‌یابد که خواننده به مفاهیم آن توجه کند و در معانی کلمات دقیق شود؛ و در پیام آیات تدبیر نماید. نیز همزمان با قرائت، معانی آن را در ذهن به تصویر کشد و تجسم بخشد و روح خود را به آن عرضه کند؛ خود را مخاطب مستقیم خدای رحمان بداند و در برابر آن تسلیم شود و به قصد تعبد و محض بندگی آن را بخواند و در دریافت روح معانی قرآن کوتاهی نکند.

۲. رذیلت‌زدایی

در شب‌های قدر به دو چیز باید توجه بیشتر نمود: یکی: سعادت‌مندی و قرار گرفتن در ردیف سعادت‌مندان و انسان‌های خوش‌فرجام، و دوم: دوری از شقاوت و بدبختی و ترک صفات زشت

و ناپسند. از این رو است که پیوسته در دعا‌های مخصوص شب‌های احیاء می‌خوانیم:

«وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ»

خدایا امشب نام مرا در میان سعادت‌مندان و

روحم را با شهدای راه حق قرا ده.^{۳۲}

با شرح صدر و گشادن دل و جان درون، درب سعادت به روی انسان گشوده می‌شود؛ و با بستن درب‌های عجب و غرور و صفات زشت دیگر در شقاوت را می‌توان به روی خود بست. در این مسیر، بهترین راه، رجوع به ضمیر و عقل بیدار و وجدان سلیم است، باید پیوسته نفس را نکوهش کرد و از عملکرد نادرست گذشته اظهار ندامت نمود و تصمیم بر ترک بدی‌ها در آینده گرفت، به خصوص بدی‌هایی که به ما روحانیان و مبلغان بیشتر روی می‌آورد، همانند عجب و غرور، که بیماری روانی بسیار خطرناکی بوده و عمدتاً گریبان‌گیر عالمان و خطیبان برجسته و داعیان دینی می‌گردد.

«عُجْب» خطرناک‌تر از تکبر و خودپسندی است. عجب، احساس خودکفایی در معنویات و احساس غنا و بی‌نیازی در عرصه خودسازی است؛ با این توضیح که عُجْب یعنی این که انسان کار نیک خود را بزرگ بشمارد و چون کار نیکی انجام داده، خودش را آدم نیکی بداند و از آن‌جا که در انجام وظیفه کوتاهی نکرده در دل خود مباحثات کند و خود را سرافراز و از دیگران که کوتاهی کرده‌اند بهتر بداند و قلباً آن‌ها را تحقیر نماید.^{۳۳}

این بیماری روحی آثار و پیامدهای ناگواری در پی دارد و اگر انسان متوجه نفوذ چنین بیماری در روح خود نشود، رفع و دفع آن بسیار مشکل خواهد شد.

مرحوم شیخ عباس قمی می‌نویسد: از احادیث چنین بر می‌آید که عجب از گناهان ظاهری سخت‌تر است، برای اینکه عجب گناه دل است. گناهان ظاهری با توبه از بین می‌رود و عبادات کفاره آن‌ها می‌گردند، اما عجب که صفتی است نفسانی، هم زایل کردنش مشکل است و هم عبادات را فاسد می‌کند و مضرات بسیار دارد از جمله آنکه: آدمی را متکبر می‌سازد و گناهانش را از یادش می‌برد و در اثر غرور، خود را از مکر و عذاب خدا ایمن می‌داند و می‌پندارد که او در پیشگاه خدا مقام و منزلتی دارد.

افزون بر آن، شخص مبتلا به عجب از بس که به رأی و عقل خود، معتقد است از سؤال و استفاده و استشاره دیگران محروم می‌ماند، و چه بسا به رأی نادرست خود، اصرار می‌ورزد.^{۳۳} با نظر به این خطرات و آسیب‌های روحی عجب است که امیرمؤمنان علی بن ابی طالب^(ع) می‌فرماید:

«سَيِّئَةٌ تَسُوؤُكَ خَيْرٌ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ»

کار نادرستی که تو را ناگوار است و همراه با

تندر انجام می‌دهی، بهتر از کار خوبی است

که تو را به عجب و غرور وامی‌دارد».^{۳۵}

و امام جعفر صادق^(ع) نیز در این باره

می‌فرماید:

عجب؛ گناهی است که بذرش کفر است

و زمینش نفاق، آبش ستم، شاخه‌هایش جهل، برگش گمراهی و میوه‌اش لعنت و خلود در دوزخ است. هر که دارای صفت عجب شود بداند که بذر کفر افشاننده و زراعت نفاق کرده و ناچار زراعتش ثمر خواهد داد.

۳. اصلاحات اجتماعی

اصلاح دادن میان مردم، از توصیه‌های جدی و مؤکد قرآن کریم است که وساطت را در این مسیر عمل شایسته می‌داند؛ و مستقیماً به آن امر می‌کند^{۳۶} در حدی که نجوا و تبادل سخنان سری و صحبت‌های درگوشی را تنها در موارد خاصی چون صدقه و اصلاح بین ذات جایز می‌داند.^{۳۷} اهمیت در این عمل همین قدر کافی است که دروغ‌گویی در این مقوله جایز است. اصلاح میان چند نفر که با هم فاصله گرفته‌اند، پاداش بی‌حساب دارد و در زبان پیامبر از انجام نماز و روزه مستحبی ارزشمندتر است؛^{۳۸} به ویژه اگر این عمل شایسته و انسانی در ایام رمضان مخصوصاً در ایام قدر صورت پذیرد، ارزش و اجر و پاداش مضاعفی می‌یابد. آخرین وصیت امیرمؤمنان بر شیعیان در شب‌های قدر، شاهد عادل و دلیل زنده بر آن است. اصولاً پنج خصلت پسندیده را باید در ایام قدر زنده کرد. آن‌ها سرآمد صفات ممدوح آدمی‌اند و داشتن این صفات، مستلزم داشتن تمام صفات نیک و ملازم با حقیقت ایمان است. داشتن آن‌ها، نفس را برای کسب تقوا و اصلاح ذات‌البین و اطاعت خدا و رسول آماده می‌کنند. این پنج خصلت به قرار زیر هستند:





۱. تأثیر قلبی از یاد خدا؛ یعنی دل از درون
بترسد و تکان بخورد؛
۲. فزونی ایمان با گوش سپاری به قرآن؛
۳. توکل راستین به خدا؛
۴. اقامه نماز؛
۵. انفاق مالی به دیگران و مستمندان.
سه صفت اول، صفت قلبی و از اعمال درون
ذاتی است؛ و دو صفت اخیر، از اعمال جوارح و
برون قلبی است.^{۳۶}
قرآن کریم در بیان این صفات ترتیب منطقی
را در میان آن‌ها رعایت کرده است:
«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ
قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا
وَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ
مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ
مؤمنان تنها کسانی هستند که چون یاد خدا
شود، دل‌هایشان ترسان شود، و چون آیات
او بر آن‌ها تلاوت شود، ایمانشان را بیفزاید
و بر خدای خویش توکل کنند؛ همانان
که نماز را بر پا دارند و از آنچه روزیشان
داده‌ایم انفاق کنند».^{۴۰}

سیره صالحان در شب‌های قدر

سیره رسول خدا^(ص) سرمشق همه خلائق
و حتی اسوه امامان معصوم^(ع) بود. آن حضرت
در شب‌های قدر، حال و هوای دیگری داشت.
امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب^(ع) در این باره می‌فرماید:
پیامبر اسلام خود و خاندانش در دهه آخر ماه
مبارک رمضان، شب را احیا می‌کردند (و به خواب

نمی‌رفتند).^{۴۱}

امام صادق^(ع) سیره ایشان را چنین ترسیم
می‌کند:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ
شَدَّ الْمِئْزَرَ وَ اجْتَنَبَ النِّسَاءَ وَ أَحْيَا اللَّيْلَ وَ
تَفَرَّغَ لِلْعِبَادَةِ

چون دهه آخر ماه رمضان فرا می‌رسید،
رسول خدا^(ص) کمر همت می‌بست و از
زنان خود دوری می‌جست، شب‌ها را
احیا می‌داشت و تمام وقت به عبادت
می‌پرداخت».^{۴۲}

حضرت فاطمه الزهرا^(ص) نیز چون پدر
معصومش، شب‌های قدر را احیا می‌داشت نه تنها
خودش، شب‌زنده‌دار بود بلکه کودکان و نوجوانان
خانه را نیز با این سنت آشنا می‌ساخت و شب‌های
قدر که فرامی‌رسید به فرزندان خود، توصیه
می‌کرد غذای کمتری بخورند تا بر اثر پرخوری
زودتر به خواب نروند و برای شب‌زنده‌داری حال
و نشاط بیشتری بیابند.^{۴۳}

همه ائمه^(ع) از این سیره شایسته نبوی و
فاطمی، تبعیت می‌کردند و عالمان و عارفان صادق
نیز این سنت را تداوم می‌بخشیدند؛ برای نمونه
حضرت علامه طباطبائی سیره استادش، سیدعلی
قاضی طباطبائی را در شب‌های قدر چنین توصیف
می‌کند: روش قاضی طباطبائی این بود که در ماه
مبارک رمضان، ساعت چهار شب در منزل خود،
رفقای خود را می‌پذیرفتند و مجلس اخلاق و
موعظه ایشان تا ساعت شش از شب، گذشته،
طول می‌کشیده در دهه اول و دوم چنین بود، ولی

در دهه سوم، ایشان مجلس را تعطیل می‌کرد و تا آخر ماه رمضان هیچ کس ایشان را نمی‌دید. چه بسا به مشاهد مقدس مشرف می‌شدند و به دور از دید مردم، همچنان به مجاهدت و تزکیه نفس و خودسازی ادامه می‌دادند. امام خمینی^(ره) نیز به محض طلوع ماه رمضان دیدار رسمی و عمومی با مردم و برخی از کارهای خود را تعطیل می‌کردند و به تفکرات تنهایی و به دعا و نیایش و عبادت و خودسازی می‌پرداختند و جان تازه‌ای می‌گرفتند و پس از پایان ماه رمضان، با قدرت و توان و تأییدات مضاعف الهی و معنوی، در صحنه سیاست و کرسی قیادت حضور می‌یافتند.

این روش عالمان شیعی و فقیهان و عارفان سرآمد، ریشه در سیره پیامبر دارد؛ ایشان حتی پیش از بعثت، راهی کوه حرا می‌شدند و به دور از محیط جهل‌آلود مردم مکه عزلت می‌گزیدند؛ چونان حضرت موسی که به کوه سینا به مناجات با خدا می‌رفت. آری حضور فعال و مثبت و موفقیت‌آمیز، در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی و جهاد و انقلاب، حضور عرفانی در محضر معبود را می‌طلبد تا بدینسان در میدان عمل، قدرت روحی بیابند و بر شیاطین بیرونی ظفر یابند و این وعده صادقانه خداست که:

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

و آنان که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد، و خداوند با نیکوکاران است».^{۴۴}

پی‌نوشت:

۱. پژوهشگر و کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی
۲. ر. ک: المفردات راغب اصفهانی؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۴۶۶، دانشنامه قرآن، بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۱۶۲۶
۳. ر. ک: المیزان، ج ۲، ص ۴۷۱؛ پرتوی از قرآن، جزء ۳۰، ص ۱۹۸، سیدمحمدحسین طالقانی؛ مرآة‌العقول، علامه مجلسی، ج ۱۶، ص ۳۸۰
۴. قرآن کریم، سوره دخان، آیه ۴
۵. برگرفته از پرتوی از قرآن، جزء ۳۰، ص ۱۹۸
۶. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۸۷
۷. قرآن کریم، سوره قدر، آیه ۱
۸. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۸۵
۹. قرآن کریم، سوره هو، آیه ۱
۱۰. ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۲۰ و پرتوی از قرآن، جزء ۳۰، ص ۱۹۹
۱۱. ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۶۷
۱۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۹۰
۱۳. مولوی
۱۴. تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۴۸۸
۱۵. قرآن کریم، سوره قدر، آیه ۳
۱۶. القرطبی، ج ۲۰، ص ۱۳۳
۱۷. نورالتقلین، ج ۵، ص ۱۱۵
۱۸. فسیر هدایت، سیدمحمدتقی مدرسی، ج ۱۸، صص ۲۲۷-۲۲۵
۱۹. المیزان، ج ۲۰، ص ۴۷۵
۲۰. المیزان، ج ۲۰، ص ۴۷۱؛ نسیم حیات، ابوالفضل بهرامپور، جزء ۳۰، صص ۱۸۹-۱۹۰
۲۱. ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۷۶۹، چاپ رجاء
۲۲. پرتوی از قرآن، ص ۱۹۶
۲۳. المیزان، ج ۲۰، ص ۴۷۳
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱
۲۵. سخنرانی‌های راشد، ج ۶، ص ۹۰
۲۶. قرآن کریم، سوره الشرح، آیه ۱
۲۷. قرآن کریم، سوره یس، آیه ۶۰
۲۸. قرآن کریم، سوره فرقان، آیه ۷۷
۲۹. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۸۶
۳۰. در محضر علامه طباطبائی، ص ۳۶۰، محمدحسین رشاد
۳۱. المراقبات، میرزا جواد ملکی تبریزی
۳۲. مفاتیح‌الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۲۲۴، دارالکتب الاسلامیه
۳۳. سفینه‌البحار، ج ۴، ص ۲۰۸؛ سخنرانی‌های راشد، ج ۶، ص ۱۱۷
۳۴. سفینه‌البحار، ج ۴، ص ۲۰۸؛ سخنرانی‌های راشد، ج ۶، ص ۱۱۷
۳۵. نهج‌البلاغه، حکمت ۵۸
۳۶. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۸۵
۳۷. قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۱؛ سوره حجرات، آیه ۱۰
۳۸. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۱۴
۳۹. میزان‌الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۰۸۷
۴۰. قرآن کریم، سوره انفال: ۳۲
۴۱. حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۲۵۶؛ فروع‌الکافی، ج ۴، ص ۱۵۵
۴۲. مفاتیح‌الجنان، ص ۲۲۱، دارالکتب الاسلامیه
۴۳. حسینی تهرانی، محمدحسین، مه‌رتابان، ص ۳۷۳
۴۴. قرآن کریم، سوره عنکبوت، آیه ۶۹

